

دوره آموزشی «شیوه‌های تصحیح متون خطی» در دهلی

حاصل برنامه‌ریزی این بود که مشتاقان تصحیح متون را به دو گروه استادان و دانشجویان دوره دکتری تقسیم کنیم. گروه استادان شامل سیزده استاد، دانشیار و استادیار دانشگاه‌های مختلف هند (همچون دانشگاه دهلی، دانشگاه جواهر لعل نهرو و NGO، دانشگاه جامعه ملیه اسلامی، دانشگاه بنارس و...) بودند که اسامی آنان در گزارش‌های تکمیلی آمده است. گروه دانشجویان دکتری نیز شامل ۲۴ دانش پژوه زبان و ادبیات فارسی بودند که افزون بر علاقه شخصی، انگیزه‌ای همچون تصحیح متن به عنوان پایان‌نامه دوره دکتری، آنان را به این کارگاه آموزشی کشانده بود. به هر حال ویژگی مشترک میان هر دو گروه، این بود که همه حاضران، مستقیماً با مقوله تصحیح متن مواجه بودند و هر یک از آنان بایک یادو تصحیح، آبی بر آتش اشتیاق خود می‌ریختند.

در جلسه‌های بسیار فشرده‌ای که استادان در آن حضور داشتند، با توجه به تجربه‌های عینی و عملی که استادان خود به آن دست یافته بودند. سعی بر آن بود که از مباحث تئوریک و تعاریف مربوط به چیستی نقد و تصحیح متون، به سرعت گذشته، بررسی شیوه‌های مختلف تصحیح پرداخته شود.

سرفصل‌هایی که در این دوره کوتاه آموزشی، مطرح شد، عبارت بود از:
معرفی دوره‌های تاریخی نسخه‌نویسی، شامل بیان ویژگی‌ها و ارزش و اعتبار هر دوره؛
معرفی انواع نسخه‌های خطی به اعتبار اصلی یا مزور بودن آنها؛
آشنایی با برخی اصطلاحات نسخه‌شناسی (همچون: ترقیمه، ظهر، رکابه و...);
آشنایی اجمالی با انواع خطوط اسلامی (که با مرور ۲۵ صفحه از بخش مقایسه خطوط
از کتاب «تعلیم خط» مرحوم حبیب‌الله فضائلی همراه بود):

۱. معرفت چهار شیوه مرسوم در میان مصححان: ۱. تصحیح بر مبنای نسخه اساس، ۲. تصحیح التقاطی، ۳. تصحیح به شیوه بینابین، ۴. تصحیح قیاسی؛
۲. بحث درباره محدودۀ اختیارات مصحح در تغییر رسم الخط نسخه‌ها؛
۳. بحث درباره مقدار و چگونگی نشانه‌گذاری متن مصحح؛
۴. آشنایی با دستور خط کنونی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی و ...

همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، نمونه‌هایی از نسخ خطی از یک اثر (برای نمونه از کتاب تفسیر فارسی «مواهب علیّه» کاشفی) تهیه شده بود تا کارآموزان در عمل با نحوه مقابله نسخ و احیاناً ترجیح دادن کلمه یا جمله‌ای از غیر نسخه اساس، و با چرایی این ترجیح و چگونگی درج آن، آشنا شوند.

طبعاً این سرفصل‌های آموزشی در کارگاه دانشجویان دکتری در سطحی رقیق‌تر و کلی‌تر ارائه می‌شد و بیشتر بر آن بودیم تا مشکلات عینی تر دانش پژوهان را در مواجهه با

نسخه‌های گوناگون مرتفع سازیم.

مشکل عدم دسترسی به نسخه‌های مطلوب و شناسایی شده از طریق فهرست نامه‌ها، عدم حمایت از سوی نهاد یا مرکزی مشخص جهت تصحیح متون ارزشمند فارسی موجود در کتابخانه‌های هند، عدم وجود راهنمایان خبره و کارآموده در امر تصحیح متون و... از عمده‌ترین مشکلات این دانشجویان مشتاق بود که گاه آنان را با علم به وجود نسخه‌هایی دیگر از کتاب مطلوب خود به قبول تصحیح قیاسی وامی داشت و طبعاً نتیجه کار را خدشه‌پذیر می‌نمود.

در طول این دوره ۷ روزه، برخی از استادان زبان و ادبیات فارسی، نسخه‌های در دست تصحیح و تحقیق خود را به همراه می‌آوردند تا درباره شیوه تصحیح و کار خود مشورت کنند و گاه در خصوص برخی از واژگان ناخوانا یا محتمل الوجهین یاری می‌طلبیدند. این گفتگوها و مشورت‌های پیرامون نسخه‌پژوهی گاه از محدوده ساعات و مکان تدریس فراتر می‌رفت و به ساعات فراغت و محل اقامت نیز کشیده می‌شد.

به هر روی استقبال استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی از برگزاری این دوره، چه در طول اجرای دوره و به شکل حضور مستمر و چه پس از اتمام آن و در گفتار و اظهار نظرهای آنان، بسیار چشمگیر و دلگرم‌کننده بود.

نکته قابل ذکری که یادآوری آن برای پژوهشگران ایرانی نیز ضرورت دارد، راهکاری است که برخی از مقامات فرهنگی و دانشگاهی هند برای اشتغال برخی فارغ‌التحصیلان رشته ادبیات فارسی در نظر گرفته‌اند. آنان با توجه به ذخایر

اسلامی و بویژه مخطوطات فارسی موجود در کتابخانه‌های مختلف هند (باید دانست که تنها نسخه‌های فهرست شده این کتابخانه‌ها، از مرز صدها هزار نسخه فراتر می‌رود)، در نظر دارند بخشی از انبوه فارغ‌التحصیلان دوره پیش‌دکتری و دکترای ادبیات فارسی را در مسیر تصحیح و تحقیق متون خطی، جهت دهی کنند. البته به نظر می‌رسد که یکی از اولویتهای پژوهشی در میان محققان هندی، واری و بازبینی در مورد تاریخ هند در دوره قرون میانه است و با توجه به رواج نگارش فارسی در اسناد، نامه‌ها و کتابهای تاریخی و ادبی در این دوره، این ضرورت بیش از پیش ایشان را وامی‌دارد تا چنین متون مخطوطی را تصحیح و احیا کنند. از این روست که مخطوطات ادبی و مذهبی گاه در مرتبه دوم تحقیق قرار می‌گیرد.

آیا در کشور ما نیز با توجه به وفور مخطوطات حائز اهمیت، و وجود زمینه‌ها و امکانات و بویژه حضور استادان صاحب نظر در این فن، امکان جهت دهی دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته‌های کتابداری و ادبیات فارسی و عربی، برای تحقیق و تصحیح میراث ادبی اسلامی این مرز و بوم مهیا نیست؟ آیا هنوز زمان آن فرانسیده است که به نسخه‌پژوهی به عنوان رشته‌ای مستقل و کاملاً تخصصی نگریست و با طرح و برنامه تفصیلی، جوانانی مستعد را در این مسیر پرورد؟

باید به چهره‌های فرهنگی دانشگاه‌های هند و نیز استادان زحمتکش دپارتمانهای زبان و ادبیات فارسی در دهلی، آفرین گفت که در تشخیص نیازهای فرهنگی خود، به خطا نرفته‌اند و در صدد گسترش و تعمیم روحیه نسخه‌پژوهی برآمده‌اند.